

## جلوه‌های نمایشی سوگواری ماه صفر در فرهنگ مردم ایران

رقیة حاج محمدیاری<sup>۱</sup>

### چکیده

مناسک عزاداری، یکی از مظاهر اصلی دینداری است و به شکلی فراگیر، تقدس، توکل و توسل را به درون زندگی مردم تسری می‌دهد. نظام مناسکی عزاداری ماه صفر که گاه تا دهه اول ماه ربیع‌الاول را در بر می‌گیرد، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، با مجموعه‌ای از مجالس عزاداری همراه است که به اشکال گوناگون همچون نخل‌گردانی، تعزیه‌گردانی و ... برگزار می‌شوند. مراسم آیینی ماه صفر، بویژه مراسم روزهای اربعین و ۲۸ صفر، نمادی از آیین‌های ایرانی - اسلامی هستند که ارزش‌های اخلاقی همچون تسلیم نشدن در برابر ستم و ستمگر، شجاعت، ایثار، جوانمردی و امر به معروف و نهی از منکر را به شکلی غیرمستقیم آموزش می‌دهند. بسیاری از آیین‌های عزاداری که در مناسبت‌های مذهبی ماه صفر (اربعین، شهادت امام رضا علیه السلام، وفات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ...) به اجرا درمی‌آیند، دارای وجوه دراماتیک و

---

۱. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی و پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما rmyari1968@yahoo.com

داستانی هستند و قابلیت مناسبی برای تولید و آفرینش گونه‌های مختلف هنری دارند. با توجه به نقش اعتقادات مذهبی در بافت اجتماعی جامعه ما، بی‌شک یکی از مطالبات اساسی مردم از رسانه ملی، توجه به این نیاز است که برای ژرف‌تر کردن برنامه‌ها؛ تولید و احیای آداب و مناسک دینی بر اساس آیین‌ها و مناسک نسل‌های پیشین می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله سعی شده است آیین‌های نمایشی ویژه اربعین، ۲۸ صفر و شهادت امام رضا علیه السلام در مناطق مختلف ایران مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شبیه‌خوانی، سوگواری صفر، سوگواره مذهبی، شمع گردانی، نخل گردانی



## مناسبت‌های ماه صفر

ماه صفر، دومین ماه سال قمری پس از محرم است. در این ماه، شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام سوگواری‌های ماه محرم را ادامه می‌دهند. در این ماه که ماه ورود خانواده امام حسین علیه‌السلام و بازماندگان واقعه کربلا به شام است، مناسبت‌های مهمی همچون وفات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام و شهادت امام رضا علیه‌السلام واقع شده است. آداب و رسوم عزاداری و سوگواری در ماه‌های محرم و صفر در نقاط مختلف ایران از تنوع و گوناگونی برخوردار است. در بعضی نقاط، دسته‌های زنجیرزنی و سینه‌زنی؛ در برخی شهرها، نخل‌گردانی و در بعضی مناطق، شکل‌های مختلف تعزیه دیده می‌شود. گاه این مراسم در حسینیه‌ها و تکایا، گاه در اماکن مقدس مذهبی و بقاع متبرکه و گاه نیز در معابر عمومی برگزار می‌شود.

دسته‌های عزادار علاوه بر ماه محرم، در ایام سوگواری ماه صفر نیز فعال هستند. این هیئت‌ها در اربعین، سالروز رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سالروز شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام و شهادت امام رضا علیه‌السلام مراسم باشکوهی برپا می‌کنند. برگزاری مراسم سوگواری ماه صفر با یادآوری و مرور چندین باره مباحث اعتقادی در قالب آیین‌های نمایشی، بستر مناسبی را برای نهادینه کردن مفاهیم دینی فراهم می‌آورد.

## جلوه‌های نمایشی عزاداری ماه صفر

### ۱. تعزیه خوانی

مراسم عزاداری بویژه در دوره‌های زمانی خاص خود، بسیاری از اشکال نمایش گونه را در ایران ایجاد کرده است که ریشه در فرهنگ مردم دارد.

یکی از عناصر ارزشمند فرهنگی و نمونه‌ای از جلوه‌های سوگواری مردم در ایام اربعین و دهه آخر ماه صفر، اجرای مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی است که طی سال‌های متمادی جایگاه خود را در فرهنگ ایرانیان حفظ کرده است.

در تعزیه‌خوانی‌ها علاوه بر تعزیه صحرائ کربلا؛ تعزیه وفات پیامبر اسلام ﷺ، تعزیه شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و تعزیه شهادت امام رضا علیه السلام نیز اجرا می‌شود.

برای مثال، همه ساله از اربعین حسینی تا ۲۸ صفر، مراسم تعزیه‌خوانی سنتی در روستای

قودجان از توابع شهرستان

خوانسار برگزار می‌شود. همچنین

مراسم آیینی «نینوای ارسیمان» که

نوعی تعزیه‌گردانی است، همزمان

با اربعین حسینی در ارسیمان نظنز

به اجرا درمی‌آید. در این آیین که

روایت‌گر حادثه غم‌بار نینواست،

صحنه‌های شهادت امام حسین علیه السلام



تا اسارت بردن اهل بیت آن حضرت برای مشتاقان به نمایش گذاشته می‌شود. (حاجی‌علی،

خوانسار، ۱۳۷۷)

تأثیرگذاری عاطفی و نیز روحیه ظلم‌ستیزی که به دنبال تماشای نمایش‌های تعزیه در افراد

ایجاد می‌شود، از نقاط قوت و مثبت این نمایش مذهبی است. از همین رو، این نوع نمایش در

ایران پس از انقلاب اسلامی، رواج و توسعه یافته و همراه با آن، تحولاتی، هم در سبک اجرا و

هم در محتوای اشعار پدید آمده است.

در گذشته در کرویة شهرضا، روز دهم صفر، «تعزیه صفین» به اجرا درمی‌آمد. این تعزیه در

وسط روستا، در قلعه بسیار بزرگی که دیوارهای آن از سنگ و گل ساخته شده بود و در

بزرگی داشت اجرا می‌شد. روز اجرای تعزیه، ساعت ۲ بعدازظهر به پشت بام قلعه می‌رفتند و طبل می‌زدند. سپس قالی‌ها را پهن می‌کردند و صندلی، سپر، شمشیر قبضه، کمند، کندو زندان، اسب، قبر برای مالک اشتر، گرز، پارچه برای خلعت شمر و عمرسعد و برخی وسایل دیگر را در صحنه می‌گذاشتند. شرکت‌کنندگان و شخصیت‌های اجرای تعزیه، جناب امیر، امام حسین علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام، مالک اشتر، محمد حنیفه، معاویه، عمروعاص، ابن‌سعد، شمر، نکیرین و فهرست‌گردان بودند و نوع پوشش آنها هم از عبا، قبا، عمّامه سبز و مشکی، کلاه خود، کمر بند و لباس‌های عربی تشکیل شده بود.

پیش از آغاز مجلس تعزیه، شبیه حضرت امیر علیه السلام روی تخت یا صندلی می‌نشست و دیگران اطراف وی را می‌گرفتند. در سمت دیگر، معاویه روی صندلی می‌نشست و عمروعاص روبه‌روی او می‌ایستاد. شمر و ابن‌سعد هم سمت دیگر، روی صندلی می‌نشستند. در این لحظه، فهرست‌گردان به یک نفر از اهالی مجلس اشاره می‌کرد تا صلوات بگوید و مجلس آماده شود. سپس یک نفر چاووشی می‌خواند و می‌گفت:

«اگر ناتوانی بگو یا علی» و حاضران با صدای بلند «یا علی» می‌گفتند. بعد چاووشی خوان

ادامه می‌داد:

سرت گر بیفتد میان بلا      مترس از بلا و بگو یا علی

حاضران نیز سه بار با صدای بلند «یا علی» می‌گفتند و با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله تعزیه را آغاز می‌کردند. متصلی طبل هم در گوشه‌ای نشسته بود تا زمان پایان گفتگوی هر یک از بازیگران طبل را به صدا درآورد و سپس متن گفتگوهای تعزیه به اجرا درمی‌آمد و در نهایت، با مراسم دعا پایان می‌یافت. (مساعی، شهرضا، ۱۳۵۰)

در بوشهر، به مناسبت روز اربعین، تعزیه‌ای به این شکل اجرا می‌شد که جماعتی

می ایستادند و منتظر و چشم به راه کاروان اسیران می ماندند. چهار قبر سیاه پوش نیز در گوشه جنوبی و شرقی میدان به چشم می خورد. در میدان، تشت<sup>۱</sup> بزرگ تزیین شده‌ای را پر از آب می کردند و مراسم با ذکر سخنان و اشعاری آغاز می شد:

«امروز روز اربعین سیدالشهداست. امروز روزی است که اسیران آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> از شام غم آزاد می شوند؛ چون یزید از کرده خود پشیمان شده است و اسیران آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> را آزاد می کند. حضرت زینب (سلام الله علیها) به بشیر می فرمایند آنان را به کربلا ببرند تا قبور شهیدان خویش را زیارت کنند:

مرا ببر که امروز فرصتی دارم  
تا شهید بی کفنش را طواف نمایم  
پس از آن عطیه و جابر در حالی که پوشش عربی داشتند، وارد می شدند. جابر در حالی که عصا بر دست داشت، از عطیه می خواست که او را بر سر قبر امام حسین <sup>علیه السلام</sup> ببرد. عطیه می گفت من قبر مولایم را نمی شناسم ولی قبری است که پزندگان زیادی اطراف آن در پرواز هستند. جابر می گفت: «مرا بر سر همان قبر همان ببر که همان قبر مولایم است»؛ راه می افتادند و جابر بعد از گفتن «یا حبیبی» غش می کرد. بعد صدای کاروانی می آمد. جابر می گفت: «شاید عیدالله بن زیاد است و آمده تا مانع از زیارت ما شود» اما کاروان، کاروان اسیران شام بود که به زیارت آمده بودند. پس کودکی به جای حضرت سکینه (سلام الله علیها) جلو می رفت و به مرثیه سرایی می پرداخت. پس از آن، حضرت زین العابدین <sup>علیه السلام</sup> بر سر مزار پدر شهیدش مرثیه می خواند و بعد از آن حضرت زینب (سلام الله علیها) مرثیه سرایی می کرد:

دلم خون شد ز هجران رقیه  
بود جانم به قربان رقیه  
بعد نوبت لیلا، مادر حضرت علی اکبر <sup>علیه السلام</sup> و بعد از او، عروس حضرت قاسم <sup>علیه السلام</sup> بود. سپس

۱. نماد «شریعه فرات» بود.

حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و بعد از او حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام یکبار دیگر مرثیه‌سرایی می‌کردند که در این هنگام، گروه «امام زن» از گوشه میدان وارد می‌شدند و به این ترتیب، مراسم اربعین به پایان می‌رسید. (لیراوی، بوشهر، ۱۳۸۵)

در بعدازظهر ۲۷ صفر در شهر کروی، تعزیه حضرت فاطمه صغری (سلام‌الله‌علیها) به اجرا درمی‌آمد، شرکت‌کنندگان مراسم، عبارت از «جلده، بشیر، سکینه، حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام، امام زین‌العابدین علیه‌السلام، فقرا، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، عبدالله جعفر و فهرست‌گردان» بودند. لوازم مورد نیاز تعزیه نیز عبارت از یک دست رختخواب، آفتابه، جارو، قرآن، نان، صندلی، عصا، لباس تعزیه‌خوانان و قلعه<sup>۱</sup> بود. فهرست‌گردان مجلس، اجرای مراسم را اعلام می‌کرد و گفتگوی بین شخصیت‌های مراسم تعزیه آغاز می‌شد. اولین اجرا بر عهده «جلده» بود که با اشاره فهرست‌گردان شروع به سخن می‌کرد:

به همین گوهر شب تابم رفت / آنچه در دیده بدی آبم رفت  
از مدینه پسر فاطمه چون / رفت و آرام و خور و خوابم رفت

سپس شبیه فاطمه صغری (سلام‌الله‌علیها) بلند می‌شد و عصازنان راه می‌رفت و می‌گفت:

یا رب از هجر پدر تابم رفت / روز آرام و به شب خوابم رفت  
روز شد چون شب تاریک به من / آن زمان که از بر من بایم رفت

سپس **طَبال** طبل می‌زد و بار دیگر جلده شروع به سخن می‌کرد:

فاطمه منع خود از زاری کن / غم زیاد است تو خودداری کن  
مردم از گریه تو می‌نالند / تو ترک از خلق آزاری کن

۱. مراسم تعزیه در قلعه‌ای اجرا می‌شد که به صورت حجره بود و زنان از داخل حجره‌ها تماشاگر مراسم بودند.

شبیبه فاطمه صغری (سلام الله علیها):

ای شب تیره به من یاری کن  
غمم از حد شده غمخواری کن  
یا که درمان به تن من بفرست  
یا علاجم تو ز بیماری کن

شبیبه حضرت علی اکبر علیه السلام:

ای به غرقاب بلا ای فاطمه  
مانده غرق ابتلا ای فاطمه  
ای ز بیماری ندیده راحتی  
بسته اندر قید هجر و زحمتی  
دوری روی عزیزان دیده ای  
گوشه بیت الحزن بگزیده ای

(حاتم زاده، شهرضا، ۱۳۷۷)

## ۱-۱. تعزیه امام حسن علیه السلام

تعزیه دیگری که روز ۲۸ صفر در شهرستان خمین برگزار می‌شد، تعزیه امام حسن علیه السلام

نام داشت. اهالی پس از زیارت امامزاده شهر، به میدان تعزیه خوانی می‌رفتند. از صبح تا زمان شروع تعزیه خوانی، بچه‌ها در محل مخصوصی جمع می‌شدند و بعد در کوچه‌ها به راه می‌افتادند و با خواندن اشعار مخصوصی از در منازل، مقداری



هیزم و لباس مندرس جمع می‌کردند. سپس با چوب و لباس، مترسکی شبیه قاتل امام حسن علیه السلام می‌ساختند و آن را به آتش می‌کشیدند و به طرفش سنگ پرتاب می‌کردند.



مراسم تعزیه‌خوانی با نمایش زهر خوردن شبیه امام حسن علیه السلام ادامه پیدا می‌کرد. (خاکی، خمین، ۱۳۵۴)

در مجلس تعزیه امام حسن علیه السلام، پس از مسمومیت آن حضرت و به شهادت رسیدنشان، حوادث مربوط به دفن پیکر ایشان مطرح می‌شود. شبیه‌خوانان این تعزیه، شبیه امام حسین علیه السلام، شبیه امام حسن علیه السلام، شبیه حضرت زینب (سلام الله علیها)، شبیه حضرت قاسم علیه السلام، شبیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، محمّد حنفیه، عایشه، وزیر، معاویه، قیصر، پیرزن و اسما بودند. ابزار و وسایل تعزیه نیز نیمکت، چند صندلی، تشک و رختخواب، ساز و نقاره، عصا، کیسه زر، کلاهخود، زره، ناقه تا شده، عصا، تشک، قبر (روی آن پارچه سبز می‌گسترده و دو طرف آن لاله روشن می‌کردند) و تخت حمل جسد را شامل می‌شد. در گوشه‌ای از میدان، چند صندلی می‌چیدند و روی یکی از آنها، معاویه با لباس عربی در کنار وزیرش می‌نشست. لباس وزیر؛ شال، قبا، عبا و دستاری شبیه عمامه بود. در زیر، برای نمونه، چند بیت از گفتگوی شبیه‌خوانان آورده می‌شود:

شبیه امام حسن علیه السلام:

نمی‌دانم چرا بر دل نمی‌آید قرار امشب

نموده خواب خوش از چشم من گویا فرار امشب

اسما:

روم تا فرش ماتم افکنم مأوای حیدر را

حسن در خواب نازی نازم این قد دلارایت

کنم در ساغر عیشت شراب خوشگوار امشب

شبیبه امام حسن علیه السلام:

امشب ز آشیانه بوی بهشت می آید  
باران در این ترانه، ممنوع شد حیا را  
ای باده نوش وحدت، شکرانه بلا را  
کاید همیشه زحمت، خاصان کربلا را

زمانی که زهر در امام کارگر می افتد شبیه زینب (سلام الله علیها) بر بالای سر او می رسد.

شبیبه زینب (سلام الله علیها): الهی خاک عالم بر سر من

شبیبه امام حسن علیه السلام: بیا خواهر زمانی در بر من

شبیبه زینب (سلام الله علیها): چرا غلطی به خاک ای شهریارم؟

شبیبه امام علیه السلام: بیا زهر هلاهل ساخت کارم

و... شبیه زینب (سلام الله علیها) در حالی که در کنار بستر شبیه امام حسن علیه السلام می نشیند:

بیا بوسم برادر این زمان روی نکوی تو

که هم رنگ زمرد گشته آن روی نکوی تو

(مساعی، شهرضا، ۱۳۵۰)

## ۱-۲. تعزیه وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

از ویژگی های دیگر تعزیه های ایرانی، فروریختن معیار و مرز زمان و مکان و روشن بودن سرنوشت قهرمانان در برابر بیننده است. همه قهرمانان بویژه آنان که از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، سرنوشت خودشان را می دانند و آگاهند که کشته خواهند شد؛ با وجود این بی می ندارند. حوادث یکی پس از دیگری رخ می دهند و پیش بینی ها یکی بعد از دیگری محقق می شوند و هیچ کس از سرنوشت خود گریزی ندارد اما جالب این است که در متن این تعزیه ها در عین

حال، باز مبارزه، خدعه، ستم، تلاش و کوشش برای تغییر سرنوشت به چشم می‌خورد. در تعزیه «وفات پیغمبر ﷺ» با وجود اینکه آن حضرت هنوز در قید حیات است، آینده آشکار است.

شبیبه پیغمبر ﷺ به شبیه حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید:

ایا علی ولی بن عم و یاور من  
بنه به زانوی خود از ره وفا سر من  
اجل رسید به سروقت من خبر دارم  
گذشت عمر ز دنیا سر سفر دارم

شبیبه حضرت امیرالمؤمنین به پیغمبر ﷺ عرض می‌کند:

جان فدایت ای شفاعت سنج بازار نشوز  
عنبرین گیسوی تو خاک لحد خواهد شدن  
این غبار گرد نعلینت عبیر زلف حور

شبیبه‌های حسنین علیهما السلام به پیغمبر ﷺ عرض می‌کنند:

شویم ما دو برادر فدات یا جدا  
ز روی مهر و وفا دیده سوی ما بگشا  
برای چیست که با ما سخن نمی‌گویی  
رضای خاطر غمدیدگان نمی‌جویی

شبیبه پیغمبر ﷺ به حسنین علیهما السلام فرماید:

خوری چون زهرای معصوم غمناک  
کجایم خون ز لب‌هایت کنم پاک؟

به جز زینب که ریزد خاک بر سر  
نه جدی داری آن روز و نه مادر  
یا حسین خنجر گلوی نازکت خواهد برید  
بر گلویت شمر نامی تیغ کین خواهد کشید  
شو رضا تا خواهرت زینب شود خوار و اسیر  
تا گنهکاران امت را تو باشی دستگیر

(همایونی، ۱۳۶۸: ۸۴)

### ۱-۳. تعزیه امام رضا علیه السلام

تعزیه امام رضا علیه السلام یکی از ارزشمندترین جلوه‌های ابراز ارادت قلبی ایرانیان به خاندان پاک وحی است که در قالب هنر نمایشی، نمودی چشمگیر و تحسین‌برانگیز یافته است. در واقع این تعزیه، شیوه‌ای برای انتقال اطلاعات دینی و نیز رواج معنویت مذهبی در جامعه است که به واسطه ظرافت‌های کلامی و نمایشی، همواره مورد توجه طبقات مختلف مردم جامعه قرار گرفته و با وجود اجراهای متعدد همچنان برای بیننده جذاب و دلنشین مانده است. این امر بی‌تردید به دلیل عشق و ارادت صادقانه مردم به حضرت امام رضا علیه السلام است که هیچ‌گاه کاستی نپذیرفته و نخواهد پذیرفت و همین نکته را می‌توان سرمایه بزرگ هنر تعزیه به شمار آورد. اجرای مجالس تعزیه به طور معمول، با عنایت به مناسبت‌ها صورت می‌پذیرفت، یعنی گاه در ایام شهادت و گاه در دیگر ایام و به سبب ادای «نذر»، تعزیه متناسب با درخواست مخاطب اجرا می‌شد. در حقیقت، مجالس تعزیه مربوط به امام رضا علیه السلام را اغلب «بانی» یا بانایانی برگزار می‌کردند که به امید بهره‌مندی از ثواب عمل خیر یا به لحاظ برآورده شدن نذر خویش هزینه مجلس را متقبل می‌شدند. شبیه‌خوانان کمتر به سودای رسیدن به مال و شهرت به این کار می‌پرداختند و اغلب ایمان مذهبی و عشق به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام موجب می‌شد که

بدون چشمداشت مادی و افزون‌طلبی قدم در این راه بگذارند و به نوبه خود، مبلغ فرهنگ دینی و اشاعه پیام مظلومیت خاندان پاک وحی باشند. در تمامی تعزیه‌هایی که مربوط به امام رضا علیه السلام است، چند عنصر مشترک وجود دارد که عبارتند از: تأکید بر رأفت و مردمی بودن امام رضا علیه السلام، بزرگواری و کرامات آن حضرت و اندوه غربت و جفاکاری دستگاه خلافت عباسیان.

در نمایش، جایگاه امام علیه السلام را محترم می‌شمرند و با تکریم و تعظیم از آن حضرت یاد می‌کنند؛ خلیفه در نقش اشقیا ظاهر می‌شود و ضمن برشمردن فضایل امام علیه السلام، تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا در نقش منفی، اوج رذالت و فرومایگی دشمنان خاندان وحی را آشکار کند.

در تعزیه امام رضا علیه السلام طیف وسیعی از نمادها مشاهده می‌شود؛ از جانوران (آهو) گرفته تا آدم‌های معمولی (باغبان، صیاد، سلمانی) و شخصیت‌های واقعی تاریخی (مأمون، اباصلت، امام رضا علیه السلام) یا موجودات ماورایی (جبرئیل و عزرائیل). زمان و مکان این نمایش نیز تاریخی و وری تاریخی است؛ به عبارت دیگر، مادی و غیرمادی، تاریخی و اسطوره‌ای، این‌جهانی و آن‌جهانی، زمانمند و ازلی و ابدی است.

جایگاه شخصیت امام رضا علیه السلام در تعزیه‌ها به شکل‌های زیر است:

۱. تعزیه‌هایی که ماجرای آنها مربوط به دوران حیات امام علیه السلام است و حضور فیزیکی امام علیه السلام را به وضوح می‌توان درک کرد.

ساختار مجلس این تعزیه شهادت امام رضا علیه السلام به این ترتیب است که امام علیه السلام از مدینه به طوس در حال حرکتند و در طول مسیر و نیز پس از حضور در طوس اتفاقاتی رخ می‌دهد و در نهایت، با شهادت امام علیه السلام، تعزیه به پایان می‌رسد.

برخی از اتفاقات و داستان‌های مسیر حرکت امام علیه السلام از مدینه به طوس عبارتند از:

شفا دادن کور، دیدار با مرد سلمانی و ملاقات او هنگام مرگ، خشک شدن باغ، ضمانت آهو و شرمساری صیاد.

این داستان‌ها با وجود ارتباط با یکدیگر، ساختمان و قصه‌ای مستقل دارند و هر یک دارای آغاز، میانه و پایان هستند. در مجلس شهادت امام رضا علیه السلام داستان‌های فرعی در بستر داستان اصلی قرار گرفته‌اند به طوری که هیچ‌گاه پراکندگی در خط داستانی احساس نمی‌شود. این فن داستان‌پردازی به زیبایی توانسته است بدون انقطاع ذهنی مخاطب از داستان اصلی، توجه او را به خرده داستان‌های نمایش نیز جلب کند.

۲. این گونه نمایشی مربوط به ماجراهای دوران حیات امام رضا علیه السلام است، ولی حضور ایشان به صورت عینی در این مجالس دیده نمی‌شود. مانند مجالس تعزیه عزیمت امامزادگان جلیل‌القدر از مدینه برای دیدار امام رضا علیه السلام که در راه کشته می‌شوند.

۳. ماجراهای مربوط به پس از حیات امام رضا علیه السلام که این نوع، با فرهنگ ایرانی سنخیت بیشتری دارد و در آن، حضور امام رضا علیه السلام را به صورت غیبی احساس می‌کنیم. ماجراهای این مجالس بیشتر مربوط به زیارت مزار امام هشتم و اتفاقاتی هستند که برای زائران رخ می‌دهد. در این مجالس با آیین‌های مختلفی همچون «چاووشی خوانی» و «قافله زوار» مواجه می‌شویم که به صورت کلی نمایانگر فرهنگ اصیل ایرانی هستند. (معصومی، ۱۳۸۶: ۹۴)

دو بن اندیشه در مجلس شهادت امام رضا علیه السلام قابل تشخیص است:

۱. فضایل اخلاقی امام ۲. غربت.

هر کدام از این بن‌اندیشه‌ها در جای خود به خوبی پیام نمایش را منتقل می‌کنند. هدف بن‌اندیشه اول، نشان دادن فضایل و کرامات معصوم علیه السلام است که در هر لحظه از زندگی خود منشأ خیر و خوبی است؛ شفا می‌دهد، می‌بخشد و هدایت و همراهی می‌کند. امام در سفری است که ناخواسته پای در آن نهاده ولی در کنار ذکر مرثی، همواره به فکر گره‌گشایی از کار مردمان است. این موضوع از جنبه‌های تعلیمی تعزیه‌ها و نقل‌های مذهبی است که همواره سعی در آموزش سیره نبوی دارند و هدف آنها تعلیم اخلاق نیکو و صفات پسندیده به مخاطب است، نه صرف بازگویی داستانی از زندگی امامان. برای مثال، این بخش از تعزیه به تماشاگر می‌آموزد که در هر شرایطی باید به فکر حل مشکلات انسان‌ها بود.

بن‌اندیشه دوّم که جنبه حزن نمایش را نیز برعهده دارد، همواره بر غربت مردی از آل علی علیه السلام تأکید می‌کند:

شبيه امام رضا علیه السلام:

سر غریب تأیید اگر رضای غریب  
به وقت مهر که گردد ز مهر یار غریب  
غریب بودن و درد غریبی آسان نیست  
به وقت مرگ که بندد دو چشم‌های غریب

این درونمایه به‌خوبی می‌تواند مخاطب را به حال اندوه و غم برساند و او را در این مصیبت شریک کند. اگر هدف نمایش دینی را علاوه بر آموزش، ذکر مصایب و ظلم‌های ناروا بر اولیای خدا بدانیم، مجلس شهادت امام رضا علیه السلام به خوبی از عهده این کار برآمده است.

از لحاظ عمل نمایشی، شخصیت‌های این مجلس از دو جنبه قابل بررسی هستند:

۱. در ظاهر امر، اشقیا بر اولیا چیرگی دارند و اختیار عمل به دست آنهاست، آنها سرانجام پیروز می‌شوند و کامیابی از آن گروه ظالم است. در نظر اوّل و نگاه بیرونی، اولیا همواره زیر سلطه اشقیا هستند. امام رضا علیه السلام باید برخلاف میل باطنی خود مدینه را به سمت طوس ترک کند.

۲. در باطن و نگاه درونی که با اندیشه دینی مخاطب پیوند دارد، شکست، نوعی پیروزی است. اشقیا سرشتی پست دارند و برتری آنها بر اولیا علیهم السلام، زائیده عوامل بیرونی است. امام رضا علیه السلام می‌تواند با معجزه از طوس خارج شود ولی او راضی به رضای خدا است. سرنوشت امام علیه السلام از پیش توسط خداوند تعیین شده و این قاعده، به راحتی از سوی تماشاگر پذیرفته می‌شود. شاید مهم‌ترین تفاوت تراژدی با تعزیه در همین جاست؛ قهرمان تراژدی، با خطای تراژیک و بی‌اطلاعی از حوادث آینده، دچار سقوط و مرگ می‌شود. ولی در تعزیه، اولیا علیهم السلام با آگاهی از خطر به سوی آن می‌روند زیرا این خطر را جزئی از تقدیر خود می‌دانند. تقدیری که از جانب پروردگارشان رقم خورده است و رضایت به این حکم، بالاترین درجه دینداری است:

شبیبه امام رضا علیه السلام:

من رضایم به رضایی که رضای تو در اوست

به رضای تو شد آماده غریب‌الغربا

همان‌طور که گفته شد، اولیا و اشقیاء، شخصیت‌های ثابت و تغییرناپذیری هستند که از ابتدا تا انتهای نمایش، در خط رفتاری خود حرکت می‌کنند و هیچ‌گاه برخلاف انتظار مخاطب دست به عملی غیرقابل پیش‌بینی نمی‌زنند و به عبارتی، دچار تحول نمی‌شوند. ولی شخصیت‌های عادی تعزیه با توجه به انتخاب خود و جبهه‌ای که در آن قرار می‌گیرند می‌توانند خوب یا بد باشند. در مجلس شهادت امام رضا علیه السلام، صیاد و پیرزن از این دسته هستند. آنها ابتدا در مقابل امام رضا علیه السلام و سپس در کنار او قرار می‌گیرند. این دسته از شخصیت‌ها، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های واقعی، اجتماعی و طبیعی، نزدیک‌ترین اشخاص تعزیه به مخاطب هستند. آنها مانند همه انسان‌ها تغییرپذیرند و با این تغییر، تماشاگر را در بازشناخت مسائل درونی و روحی یاری می‌کنند.

با بررسی مجلس شهادت امام رضا علیه السلام متوجه می‌شویم که برخی از شیوه‌های گفتاری در این تعزیه وجود ندارد. برای مثال، رجزخوانی، مبارزخوانی، مناظره، همخوانی یا همسرایی که در تعزیه‌های مربوط به واقعه عاشورا از شیوه‌های گفتار محسوب می‌شوند، در این نمایش جایی ندارند. البته این موضوع به دلیل نوع داستان است. این مجلس، بیشتر به مرثیه‌سرایی و ذکر فضایل می‌پردازد و عاری از جنبه‌های حماسی است که این نکته، از مهم‌ترین تفاوت‌های آن با تعزیه‌های مربوط به وقایع کربلا به لحاظ محتوایی و گفتاری است.

مرثیه و مفاخره، در خدمت زبان نمایش است و به بیان مصایب امام کمک می‌کند:

شبیبه امام رضا علیه السلام:

ای خدا آگهی از حال غریب‌الغربا به زوال آمده اقبال غریب‌الغربا

قرعه در به دری آمده بر نام رضا هر منجم که زند فال غریب‌الغربا



(مرثیه)

اباصلت:

ای خدا شاه حجازی در خراسان می‌رود  
دیده‌گریان سینه‌سوزان قلب پر خون می‌رود  
می‌رود سوی خراسان بر ولیعهدی کنون  
من ندانم پس چرا او دیده‌گریان می‌رود

(مفاخره)

شبیبه امام رضا علیه السلام:

من مصدر صفات خداوند اکبرم      هستم غریب و بی‌کس و بی‌یار و یاورم  
در رتبه پادشاهم و در منزلت امام      دارای دین سلاله موسی ابن جعفرم

(مدیحه)

مأمون:

سلام من به تو این نور چشم پیغمبر  
خدایو لوح و قلم جان ما به کرسی زر  
ضیای چشم محمد شهنشاه دینم  
خوش آمدی به فدای تو جان شیرینم

از دیگر ویژگی‌های گفتاری این تعزیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گفتار خطابی جبرئیل و عزرائیل

جبرئیل:

خطاب من به تو ای سحاب قهرآمیز شده      حکم خداوند کز غضب برخیز  
برو به باغ همان باغبان بد بنیاد      بریز صاعقه رعد و برق از بیداد

## گفتگو با اشیا و حیوانات

سلمان‌ی:

فخر کن این تیغ بهر احتشام  
تا تراشی مویی از فرق ملک  
ناز کن این آب بر آب بهشت  
شد به موی شاه دینت سرنوشت

صیّاد:

تن به کشتن ده مکن آه و فغان

شبهه امام رضا علیه السلام:

بارالها آهوی او را رسان

آهو:

سلام من به تو یا حضرت امام رضا علیه السلام بیامدم به برت ای شفیع روز جزا

(www.artmarkazi.ir)

## ۲. نخل گردانی

تابوت گردانی، یا به طور کلی، هر شکلی از تابوت مانند نخل، حجله و شبهه گردانی، برای مردم دیندار برگزارکننده این نوع آیین‌های مذهبی، بخشی از اعمال عبادی آنان در زندگی عادی است و با رشته‌ای نهانی، آنان را با بزرگان و پیشوایان فرهنگ ملی و مذهبی پیوند می‌دهد. صورت‌های تمثیلی و رمزی رفتارهای مذهبی و کاربرد اشیای نمادین در مناسک و مراسم مذهبی، دارای معانی ویژه‌ای است که درک و ارزشیابی آنها با معیارهای بیرون از حوزه تفکرات دینی و بیگانه با عقاید مردم، تا حدودی دشوار می‌نماید. بنابراین، فلسفه پیدایش این گونه صورت‌های مثالی یا شبهه‌ها و تابوت‌واره‌ها را در رفتارهای آیینی - عبادی مردم هر جامعه و در فرهنگ دینی و نظام اعتقادی مردم آن جامعه در گذشته‌های دور و نیز تاریخ اسطوره‌ای و فرهنگ‌های درآمیخته با فرهنگ آن مردم جستجو کرد. (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۲)

امروزه نیز به شیوه قدیم، در دهه پایانی ماه صفر، بویژه در روز اربعین حسینی و در برخی

شهرها، روز رحلت حضرت رسول ﷺ و شهادت امام حسن مجتبیٰ (ع) (۲۸ صفر)، دسته‌های عزادار سینه‌زن و زنجیرزن راه می‌افتند و بنا بر سنت فرهنگی شهر و دیار خود، نشان‌های مذهبی مانند بیرق یا نخل را با خود حمل می‌کنند.



نخل در لغت به معنای درخت خرما یا خرما بن و نیز درختچه‌ای مومی و تزئینی است و در اصطلاح، به تابوت‌واره‌ای گفته می‌شود که در عزای امام حسین (ع) بر دوش می‌کشند و در دسته‌های عزاداری می‌گردانند. در دههٔ آخر ماه صفر، نخل را مردم عزادار، مانند کشتی به حرکت درمی‌آورند و سه دور گرد میدان محل نخل می‌چرخانند و آنگاه آرام آرام به درون آشیانه خود باز می‌گردانند.

در برخی از مناطق ایران، نخل را در حسینیه‌ها یا میدان‌های شهر و روستا می‌گردانند. در حسینیه‌ها یا میدان‌ها، نخل را چند بار با فاصلهٔ زمانی متفاوت و هر بار، یک تا سه بار در طول و عرض حسینیه و میدان، یا گرداگرد آن حرکت می‌دهند و می‌گردانند. در برخی مناطق، یک مرد سیاهپوش روی چوب‌بست جبهه پیش روی نخل می‌نشیند و نخل‌کشان را در حمل نخل

راهنمایی می‌کند. (حاجی‌زاده، تهران، ۱۳۸۸)

رسم نخل‌گردانی در سراسر سرزمین ایران و در تمام خرده فرهنگ‌های ایرانی - شیعی شناخته شده و معمول نبوده است. حوزه جغرافیایی - فرهنگی‌ای که در آن مراسم نخل‌گردانی از دیرباز رواج داشته، حوزه فرهنگ کویری در شهرها و آبادی‌های کویرنشین و حاشیه کویر ایران بوده است. در این حوزه وسیع، نخل‌گردانی بیشتر در یزد، تفت، نایین، ابیان، کاشان، سمنان، زواره و... اهمیت و شکوه فراوان داشته است. (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۴۳)

در کاشان و نراق رسم است که پیش از مراسم نخل‌گردانی، نخل را با پوششی سیاه و نوار پارچه‌ای پهن سبز رنگی می‌پیچند و با پارچه‌های ترمه و زربفت، آینه، چراغ، خنجر، شمشیر و سپر می‌آرایند. آنگاه دستاری سبز به نشانه عمّامه امام حسین علیه السلام بر سر جبهه پیشین نخل می‌گذارند و به حالت سینه‌زنی و نوحه‌خوانی در محلات قدیم شهر و در تکایا و حسینیه‌ها و زیارتگاه‌ها می‌گردانند. کسانی که گوسفند یا گاوی نذر محل کرده‌اند آن حیوان را در پای نخل سر می‌برند و نذرشان را ادا می‌کنند. (معمدی، ۱۳۷۸: ۵۴)

این مراسم در سالگرد رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در ۲۸ صفر به اجرا درمی‌آید.

گاهی اوقات به هنگام چاووشی‌خوانی از سوی فردی که روی نخل قرار گرفته، مردم آرام روی دو پا می‌نشینند و دست بر پیشانی می‌گذارند و غمگانه سر به زیر می‌اندازند. به همین ترتیب، برای تمام شهدا و مصیبت‌دیدگان دشت کربلا نوحه‌خوانی می‌کنند. در فواصل هر نوحه نیز چاووشی‌خوان، چاووشی می‌خواند. این مراسم با یاد امام رضا علیه السلام و این نوحه مخصوص خاتمه می‌یابد:

چاووشی‌خوان: در مشهد مقدس

مردم: امام رضا غریب است

چاووشی‌خوان: غریب است، غریب است

مردم: بیمار و بی‌طیب است  
چاووشی خوان: آنجا که غریب ناله زار کند  
آنجا که غریبی رو به دیوار کند  
بالین سر غریب خشتی باشد  
مادر نبود که گریه بسیار کند

(هلی، کاشان، ۱۳۴۸)

شیعیان ایران، در مراسم عزاداری شهیدان دین، با نمایش و حمل تابوت‌های تمثیلی، خاطرات مصایب قهرمانان و شخصیت‌های مذهبی و روحانی فرهنگ دینی و راز مرگ و تجدید حیات آنان را بازسازی می‌کنند. در این نمایش‌واره‌های مذهبی، مردم وقایع قدسی روزگاران گذشته و آیین‌های نیاکانی و یادمان‌های قهرمانان برجسته دینی را، در زندگی روزانه احیا می‌کنند. (www.anthropology.ir)

### ۳. شمع گردانی



شمع گردانی، از جمله مراسم ماه صفر و مختص شب شهادت امام رضا علیه السلام در مشهد است. به این ترتیب که خدّام در حالی که هر یک شمعی در دست دارند، به آرامی سینه می‌زنند و روی سقاخانه طلا، خطیب، خطبه می‌خواند. اشعاری هم

به مناسبت شب شهادت امام رضا علیه السلام در داخل گلدسته‌ها خوانده می‌شود. این مراسم بعد از غروب آفتاب به پایان می‌رسد. پس از خاتمه مراسم شمع‌ها را خاموش می‌کنند و به عنوان

تبرک می‌برند. (رجب‌زاده، مشهد، ۱۳۸۵)

درواقع مجالس سوگواری در قالب روضه‌خوانی، سینه‌زنی و ... مقاطع برگزیده‌ای از زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام و اهل بیت ایشان را برای مخاطبان خود بیان می‌کنند. با توجه به معیار بودن سیره و منش ائمه معصومین علیهم‌السلام برای شیعیان، مراسم یاد شده، کارکرد اسوه‌سازی در دو وجه فردی، اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی را داراست، زیرا پایبندی گروهی از افراد جامعه به یک شیوه عمل جمعی مانند برگزاری آیینی مشخص و همگانی (سج و دمام‌زنی) ناخواسته ارتباطات میان اعضا را تقویت می‌کند و در پی آن، زمینه انسجام اجتماعی و استمرار و پایداری جامعه فراهم می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۰: ۵۹)

### جمع‌بندی

از آنجا که دین نقش جدی و تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های فرهنگی جوامع ایفا می‌کند و این نقش به واسطه حاکمیت دینی در ایران دو چندان شده است، به شکل نظری و در عمل شاهد شکل‌گیری پدیده رو به گسترشی به نام فرهنگ عامه دینی هستیم. در شکل‌گیری این پدیده جریان‌اتی تأثیرگذار بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به گسترش و ترویج اعتقادات و اعمال دینی از راه‌های مختلف و بویژه از مجرای رسانه‌ها اشاره کرد.

مجالس مذهبی بویژه سوگواری‌ها، تحت قالب‌های مختلفی چون تعزیه، نخل‌گردانی و ... مقاطع برگزیده‌ای از زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام و اهل بیت ایشان را برای مخاطبان خود بیان می‌کنند. با توجه به معیار بودن سیره و منش ائمه معصومین علیهم‌السلام برای شیعیان، این نمایش‌ها می‌توانند کارکرد اسوه‌سازی را در جامعه ایفا کنند. مجالس مذهبی از طریق ارائه مستمر تصاویر واقعی و ملموس و با بهره‌گیری از این امر، راه را برای مخاطبان خود تسهیل می‌کنند و به نوعی، این کارکرد موجب الگوگیری افراد شرکت‌کننده از سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.

شیعیان ایران، در مراسم عزاداری شهیدان دین، با نمایش و حمل تابوت‌های نمادین شهیدان و اجرای نمایش تعزیه، خاطرات مصایب قهرمانان و شخصیت‌های مذهبی و راز مرگ

و تجدید حیات آنان را بازسازی می‌کنند. در واقع، در تمامی آیین‌های فرهنگی، باورهای دینی دیده می‌شود. این باورهای دینی، تعمیق اعتقادات و بازتولید آنها را به دنبال دارند. صداوسیما که به عنوان گسترده‌ترین رسانه جمعی، نقش ویژه‌ای در رشد ارزش‌های مذهبی دارد، با پرداختن به مراسم اصیل مذهبی می‌تواند این ارزش را در جامعه تعالی ببخشد. پخش مراسم سنتی سوگواری می‌تواند افراد متعلق به نسل‌های مختلف را با مراسم آیینی و سنتی آشنا کند و در نتیجه، با توجه به افزایش مشغله و گرفتاری‌های عمومی که از میزان حضور در جمع ارتباط‌گران سنتی می‌کاهد، آن را از رنگ‌باختگی کارکردها نجات دهد.



## منابع

### الف) کتاب

#### \* قرآن کریم

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰) نخل گردانی، تهران: نیل.
۲. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی دینی، تهران: سخن.
۳. معتمدی، حسین (۱۳۷۸) عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و کشورهای جهان، قم: عصر ظهور.
۴. معصومی، غلامرضا (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، تهران: نشر سوره مهر.
۵. همایونی، صادق (۱۳۶۸) تعزیه در ایران، شیراز: نشر نوید.

### ب) اینترنت

۱. مجللی، اسماعیل، «تأثیر حضور امام رضا علیه السلام بر فرهنگ و هنر ایرانی» در:  
[www.artmarkazi.ir/default.aspxpage=8180](http://www.artmarkazi.ir/default.aspxpage=8180)
۲. تعزیه در:  
[www.anthropology.ir](http://www.anthropology.ir)

### ج) مصاحبه

- حاجی‌زاده، علی، هیأت حسینیّه ولنجک، ۱۳۸۸



## فرهنگیاران

حاتم‌زاده، علی، کروییه، شهرضا، اصفهان، ۱۳۷۷

حاجی‌علی، علی‌اصغر، قودجان، خوانسار، اصفهان، ۱۳۴۸، ۱۳۷۷

خاکی، محمدرضا، خمین، مرکزی، ۱۳۵۴

رجب‌زاده، غلامرضا، قاسم‌آباد، مشهد، خراسان رضوی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸

لیراوی، الله‌کرم، بوشهر، ۱۳۸۵

مساعی، ناصر، شهرضا، اصفهان، ۱۳۵۰

هلی، فرج‌الله، نخلج، کاشان، اصفهان، ۱۳۴۸





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی